کار و زندگی روی بزرگترین نفتکش دنیا – بخش دوم و پایانی

عاشقی در میان امواج سهمگین

روایتی زنانه از سفرهای دور و دراز دریایی

حمید حاجی‌پور
روزنامه نگار

عکس‌ها: علی محمدی / ایران

ماه‌ها رنگی جز آبی آسمان و آبی دریا نمی‌بینند و سوار بر غول آهنین، در آن بی‌کرانه کژ می‌شوند و مژ می‌شوند. آنجا تو می‌مانی و دلتنگی و غم تنهایی و تماشای دریایی که گاه مهربان است و گاه بی‌قرار و نامهربان. کار در کشتی و حمل نفت و گاز از این سوی دنیا به آن سوی دنیا آنقدرها هم هیجان یک سفر خاطره انگیز را ندارد. در این میان زنانی هستند که مشقت چنین سفری را به جان می‌خرند تا کنار همسران‌شان باشند و آنها را حمایت کنند.

وسط دریا خبری از فروشگاه و هایپرمارکت و آرایشگاه و پارک و تفریح نیست، حتی دسترسی به اینترنت و تلفن هم به این سادگی‌ها نیست. گاه هفته‌ها نمی‌توانند با خانواده و عزیزانشان تماسی بگیرند. باید مراقب باشند تا بیمار نشوند چراکه تا رسیدن به نزدیکترین بندر شاید روزها راه باشد. آنها ماه‌ها در سکوت محض در کنار همسرانشان زندگی می‌کنند. زنان داستان ما از زندگی، عشق، دلتنگی‌ها، آرزوها، دغدغه‌ها و طوفان‌های سهمگین می‌گویند.

روز سوم عید، دریا آرام و مهربان است. نفتکش «دلوار» کنار جزیره هرمز لنگر انداخته. قرار است تا چند روز دیگر بعد از بارگیری به سوی هند برود. موتور کشتی خاموش است. راهروهای طبقه افسران، افسران ارشد و طبقه اداری با کاغذهای رنگی تزئین شده. سفره هفت سینی هم توی سلف سرویس پهن است. به گفته خدمه نفتکش دلوار، این نخستین بار است که کشتی‌شان اینچنین حال و هوای نوروزی به خود گرفته. آنها این حس و حال را مدیون ۴ نفر از زنانی هستند که در ایام نوروز در کشتی حضور دارند.

قرارمان با همسر ۳ نفر از خدمه کشتی ساعت ۱۱ صبح است. سر ساعت حاضر می‌شوند و دور میزی که سفره هفت‌سین را چیده‌اند، می‌نشینند. شوهران‌شان با لباس فرم اتوکشیده کنارشان هستند. به شوخی می‌گویم که جمع شدن‌تان دور میز بی‌شباهت به نشستن جلوی سفره عقد نیست، همگی می‌زنند زیرخنده.

به ترتیب از آنها سؤال می‌پرسم. از غزاله غلامپور، همسر مهندس سوم ایمان سعادت‌پور که ۳ سال از ازدواج‌شان می‌گذرد، شروع می‌کنم. اهل و ساکن مشهد هستند. از او می‌خواهم درباره آشنایی با همسرش توضیح دهد و اینکه آیا می‌دانسته او چنین شغل سختی دارد و باید ۸ ماه از سال را روی دریا باشد. می‌گوید: «ما با هم فامیلی دوری داریم و پیش از اینکه ایمان برای خواستگاری بیاید کم و بیش از شغلش اطلاعاتی داشتم ولی نمی‌دانستم تا این حد حساس است و باید ماه‌ها روی دریا باشد. بعد از اینکه باهم عقد کردیم مأموریت رفت و ۴ ماه بعد آمد. در طول این مدت خیلی به من سخت گذشت. عادت کردن به چنین شرایطی برایم خیلی دشوار بود تا اینکه بعد از ازدواج دیگر توی همه مأموریت‌ها همراهی‌اش کردم.

البته دریا سختی‌های خاص خودش را دارد مثلاً از خانه و خانواده دور می‌شویم، مخصوصاً زمانی که کشتی وسط اقیانوس است و هفته‌ها و ماه‌ها جز آب هیچ چیز دیگری نمی‌بینی. زمانی که دریا طوفانی می‌شود، کشتی بزرگی به این عظمت توی آب این ور و آن ور می‌شود و موج‌های چند ده متری روی عرشه می‌آید و شرایط خیلی سخت و بحرانی می‌شود. برای کسی که تا به حال روی دریا نبوده و برای نخستین بار گرفتار طوفان می‌شود این شرایط خیلی نگران‌کننده و وحشتناک است. من نمی‌توانم چیزی از طوفان‌هایی که تا به حال دیده‌ام برایتان تعریف کنیم.»

خانم غلامپور در طول این مدتی که شوهرش را همراهی می‌کند با تأسیسات و واژه‌های تخصصی کاملاً آشنایی پیدا کرده. از او می‌پرسم در طول چندماهی که توی کشتی است چگونه اوقات خود را می‌گذراند؟ آیا این شرایط حتی با حضور همسرش خسته‌کننده نیست؟

لبخندی می‌زند و نگاهی به شوهرش می‌اندازد و می‌گوید: «سخت که هست ولی من به‌خاطر ایمان تحمل می‌کنم. الان که کشتی نزدیکی هرمز لنگر انداخته، موبایل‌مان آنتن می‌دهد و اینترنت دارد ولی وقتی برویم وسط دریا یا وارد اقیانوس شویم ارتباط مان با همه جا قطع می‌شود و با توجه به محدودیت‌ها هرچند روز یکبار می‌توانیم با تلفن ماهواره‌ای به خانواده‌هایمان که همیشه نگران‌مان هستند تماس بگیریم. من و خانم‌های دیگر که این فرصت را تجربه کرده‌اند برای اینکه حوصله‌شان سر نرود، با خودشان کتاب و سرگرمی‌های دیگر می‌آورند ولی بازهم بعد از چند هفته حوصله آدم سر می‌رود. زندگی توی دریا خلاصه می‌شود به کابین خصوصی و کشتی و آبی که انگار انتها ندارد.»

- چندبار همسرتان را در سفرها همراهی کرده‌اید؟

- این پنجمین سفر من است.

- تا به حال چندتا کشور را در جریان این سفرها دیده‌اید؟

- شاید باورتان نشود تا به حال موفق نشده‌ام در هیچ بندری پیاده شوم. به خاطر برخی از مقررات خاص امکان پیاده شدن نیست، البته تحریم‌ها هم در چنین برخوردهایی بی‌تأثیر نبوده. باید به نکته دیگری اشاره کنم؛ خیلی از آدم‌ها حتی اطرافیان دقیقاً نمی‌دانند ما چگونه سفر می‌کنیم. برخی تصور می‌کنند به وسیله این سفرها چه کشورهایی که دیده‌ایم، ولی اصلاً این‌طور نیست.

- تا چه زمانی همسرتان را در سفرهای کاری همراهی می‌کنید؟

- ترجیح می‌دهم به این سفرها ادامه بدهم.

الهام خادم‌نژاد همسر افسردوم کشتی، سعید استاد؛ تاکنون ۷ بار همسرش را در این سفرها همراهی کرده است. تبریزی است و عروس انزلی‌چی‌ها شده است. از ازدواج‌شان ۶ سال می‌گذرد و فعلاً بچه‌دار نشده‌اند. این زوج از دانشکده دریانوردی باهم آشنا شده‌اند. از خانم خادم‌نژاد درباره تفاوت زندگی روی دریا و خشکی می‌پرسم.

می‌گوید: «دریا گذشته از اینکه آرامبخش است و حس و حال خوبی دارد ولی گاهی هم آدم را افسرده می‌کند. زندگی روی دریا کاملاً متفاوت با زندگی روی خشکی است. روی دریا محدودیت زیاد می‌شود. خانه شما می‌شود اتاق ۱۲ متری و خیابان‌تان عرشه و سلف سرویس و اتاق تلویزیون هم می‌شود رستوران و سینمای شما. خبری از ترافیک نیست. کسی جز خدمه نمی‌بینید.

ارتباطات فضای مجازی بسیار محدود و حتی به صفر می‌رسد. گاهی از سفر خسته می‌شوید و دوست دارید هرچه زودتر برگردید خانه. این را هم بگوییم که نباید احساس دلتنگی و خستگی از سفر را به همسرتان منتقل کنید چراکه روی کارش تأثیر بدی می‌گذارد. اما وقتی به خشکی نزدیک می‌شویم، بهتر است بگوییم به بندر کشورمان، آنقدر خوشحال هستیم که حد ندارد، این اول ماجراست. وقتی به تهران یا شهر خودمان می‌رسیم شلوغی، ترافیک، صدای بوق و رفت و آمد ماشین‌ها تا چند روز اذیت‌مان می‌کند. شلوغی و این همه سر و صدا به ما شوک وارد می‌کند. عادت کردن به شرایط خشکی هم دست کم یک هفته زمان می‌برد. کسانی که دریانورد هستند دو زندگی متفاوت دارند. اگر همسرانشان با آنها باشند زندگی دریایی و خشکی دارند و اگر در سفرها تنها باشند زندگی با خانواده و زندگی بی‌خانواده را تجربه می‌کنند. من سعی می‌کنم با حضور در سفرها این خلأ را پر کنم.

- اقوام و دوستان‌تان از کشتی که با آن سفر می‌کنید چه تصوری دارند؟

- گاهی خنده‌دار است و گاهی بهت‌آور! برخی تصور می‌کنند ما با لنج یا کشتی کوچکی سفر می‌کنیم و با خودمان آب و غذا می‌بریم و روی عرشه می‌مانیم و باید کلی توضیح بدهیم که این کشتی عظیم‌الجثه است و کلی اتاق و امکانات دارد.

- خانواده نگران نمی‌شوند؟

- آن اوایل نگران می‌شدند ولی وقتی فیلم و عکس‌هایی را که از داخل کشتی گرفته بودم نشان‌شان دادم خیال‌شان راحت شد.

- اگر زمانی بیمار شوید یا برای کسی اتفاقی بیفتد چه می‌کنید؟

- کشتی اتاقی دارد که بیمارستان محسوب می‌شود. همه خدمه، آموزش‌های ابتدایی پزشکی را دیده‌اند و اگر نشود کاری برای بیمار یا حادثه‌دیده کرد، با نزدیکترین بندری که در مسیرمان هست تماس می‌گیریم و آنها بالگردی برای انتقال بیمار می‌فرستند.

- تا به حال شده خودتان در طول این سفرها بیمار شوید؟

- بله ولی خوشبختانه آنقدر شدید و اورژانسی نبوده که نیاز به انتقال به خشکی باشد.

اسما یزدی پوران همسر مهندس سوم کشتی علیرضا مرادی‌پور است. ۲ سال است ازدواج کرده‌اند و ۶ ماه است که به خانه بخت رفته‌اند. اهل و ساکن تهران هستند. در طول ۲ سال گذشته همسرش را در ۵ سفر همراهی کرده است. استاد معماری است و زمانی که دانشگاه تعطیل می‌شود همراه همسرش به مأموریت‌های دریایی می‌رود. او عقیده دارد که دریا زندگی‌اش را تغییر داده و او را عاشق و صبورتر کرده است: «پیش از اینکه ازدواج کنم تدریس می‌کردم و پروژه‌های زیادی می‌گرفتم و نمی‌دانستم شب و روز چطور می‌گذرد ولی از زمانی که با علیرضا آشنا شدم زندگی برای من طور دیگری معنا پیدا کرد. من او را در مراسم خواستگاری و عقد دیدم و همیشه در سفر بود و مدت کوتاهی تهران می‌ماند. فکر می‌کردم آدم صبوری باشم ولی وقتی دیدم نمی‌توانم نبود او را تحمل کنم در دو سفر بلند مدت و ۳ سفر کوتاه او را همراهی کردم.

یک بار که علیرضا مأموریت رفته بود ۲۰ روز از او بی‌خبر بودم. هیچ تماس و ایمیلی از او دریافت نکردم و بشدت نگران بودم. مدام پیش خودم می‌گفتم نکند اتفاقی برایش افتاده باشد. فکرهای عجیب و غریب مثل خوره به جانم افتاده بود و یک لحظه رهایم نمی‌کرد.»

- از دریا نمی‌ترسید؟

- وقتی طوفانی می‌شود.

- تجربیات‌تان روی کشتی را برای کسی هم بازگو می‌کنید؟

- خیلی، باید برای همه توضیح بدهم که زندگی و کار روی کشتی چطور است. چه چیزهایی توی دریا می‌بینیم، مثلاً دیدن دلفین‌هایی که با ما مسابقه می‌گذارند یا بنادر کشورهای دیگر. البته از سفرمان عکس و فیلم می‌گیریم و گاهی در اینستاگرام منتشر می‌کنیم تا اطلاعات درستی بدهیم به آنهایی که تصوری از دریا و دریانوردی ندارند.

- فکر می‌کردید شغل شوهرتان اینقدر مشکل باشد و ماه‌ها در کنارتان نباشد؟

- کم و بیش می‌دانستم ولی زندگی زنانی که شوهران‌شان در دریا کار می‌کنند یا دریانورد هستند و مدت کمی خانه می‌مانند بسیار متفاوت با دیگران است. زندگی روی دریا گذشته از آرامشی که دارد ده‌ها خطر و دردسر هم دارد. شما محصور می‌شوید در یک کشتی.

> دریا گذشته از اینکه آرامبخش است و حس و حال خوبی دارد ولی گاهی هم آدم را افسرده می‌کند. زندگی روی دریا کاملاً متفاوت با زندگی روی خشکی است. روی دریا محدودیت زیاد می‌شود. خانه شما می‌شود اتاق ۱۲ متری و خیابان‌تان عرشه و سلف سرویس و اتاق تلویزیون هم می‌شود رستوران و سینمای شما. خبری از ترافیک نیست

■ سفرهای خشکی پس از سفر دریایی

از آنها می‌پرسم گذشته از مطالعه و کارهایی که انجام می‌دهند علاقه‌ای به آشپزی دارند؟ خانم غلامپور زودتر از بقیه جواب می‌دهد:«به شخصه از آشپز نفتکش سانچی پخت غذاهای زیادی را یاد گرفتم مخصوصاً کیک‌های مختلف. گاهی که حوصله‌مان سر می‌رود توی آشپزخانه کشتی غذا یا کیک درست می‌کنیم.»

چند روز از روز زن نمی‌گذرد و من می‌پرسم همسران‌تان چه هدیه‌ای به شما داده‌اند؟ یکدفعه همه با هم شروع می‌کنند به حرف زدن و صدای یکی از افسران را که به من نزدیک‌تر است می‌شنوم که می‌گوید: «دردسر انداختین ما را آقای خبرنگار.» خانم غلامپور می‌گوید که هدیه‌اش را وقتی برگشتند حتماً از همسرش می‌گیرد. خانم خادم‌نژاد هم با خنده اشاره می‌کند که هدیه مستقیم رفته به حسابش و خانم یزدی پوران هم می‌گوید روز زن تهران بوده‌اند و هدیه‌اش را گرفته است.

اما سؤال دیگری که ذهنم را مشغول می‌کند این است که آیا این زوج‌های جوان دریانورد بعد از بازگشت چند ماهه از سفر در مدت استراحت به سفر دیگری هم می‌روند؟ می‌زنند زیر خنده. خانم یزدی پوران جواب می‌دهد: «سفر می‌رویم ولی دیگر سمت دریا نمی‌رویم. سفرهای خشکی می‌رویم.» خانم غلامپور هم می‌گوید: «سفرهایی که بعد از دریا می‌رویم با این سفر متفاوت است و برای روحیه‌مان خوب است.»

یک ساعتی از مصاحبه‌مان نمی‌گذرد که شیفت کاری افسران و مهندسانی که با آنها گپ زده‌ایم، آغاز می‌شود. مزاحم‌شان نمی‌شوم، همسران آنها هم برای پیاده‌روی روی عرشه می‌روند.

دریا زنان دریانوردان را جسور کرده. آنهایی که همچون این زنان دریا را تجربه کرده‌اند با خطر طوفان و دریازدگی و بیماری یا مشکلاتی همچون نبود ارتباط با خانواده و غم دوری و خستگی و دلتنگی روبه‌رو بوده‌اند، آموخته‌اند در برابر مشکلات و سختی‌ها صبور باشند؛ صبور عاشق.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۶۷۵۶

جدول عادی

◀افقی:

۱- ترکیب پودری شکلی برای تغذیه نوزادان - پایتخت گردو
۲- حوضچه حمام - اسب نجیب - دانه سحرآمیز
۳- عمل و رفتار - کیش، رسم - پدال توقف خودرو
۴- اشک ریختن - اصطلاحی در عکاسی - هذیان
۵- پیشوند فقدان - گونه‌ها - کیسه کاغذی نامه
۶- حالت کرختی - پر - جثه و اندام
۷- دریای شمالی - فرمان مغولی - روشنی
۸- آسمان غرش - برادر - فرومایه و پست
۹- معصیت - جوانمرگ - تخیلی‌نویس فرانسه
۱۰- چیز - نوعی امتحان - نوعی عارضه پوستی
۱۱- شکاک - شاعر از آنان چشم یاری داشته - از خواهران برونته
۱۲- شهر تفرجگاه بولاغلار - عدد آسمان‌ها - زیباترین منطقه سوادکوه
۱۳- همگی، سراسر - فاقد جرأت یا شجاعت - ام‌الشرائین
۱۴- شهرستان - بیرون راندن - دوست
۱۵- ثبت‌نام - اتیکت

▼عمودی:

۱- ضربه روحی - شکست در مسابقه - آرایش مو
۲- مجال - مار خطرناک - پارچه کم‌عرض
۳- پرداخت صحنه - سر را به تن می‌چسباند - توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین
۴- باد خنک - هدایت شده - اشاره به نزدیک
۵- فیلم مسعود جعفری جوزانی - عدد رکعت نماز - ضمیر داخل
۶- حشره‌ای انگلی - فاقد اعتبار - انس
۷- خودرو ایرانی - آشیانه - ایوان
۸- این‌گونه هم لنگه بار است - سرمربی تیم سایپا - بخشنده
۹- ملکه آدریاتیک - گودال - سرزمینی قدیمی
۱۰- تازه شکل گرفته - مهاجم نوک سیاه‌جامگان با نام یونس - نیاز تشنه لب
۱۱- نت بیمار - کشوری در مدیترانه - شاهک محلی هند
۱۲- عریان - سلاح ورزشی - به معنی تازه
۱۳- فندک جای آن را گرفته - تصدیق سخن - تفرجگاه تهران
۱۴- اشاره و رمز - سپاسگزاری - ثلاثه معروف مصر
۱۵- معشوق و دوست داشتنی - سال‌ها - دیوار بلند

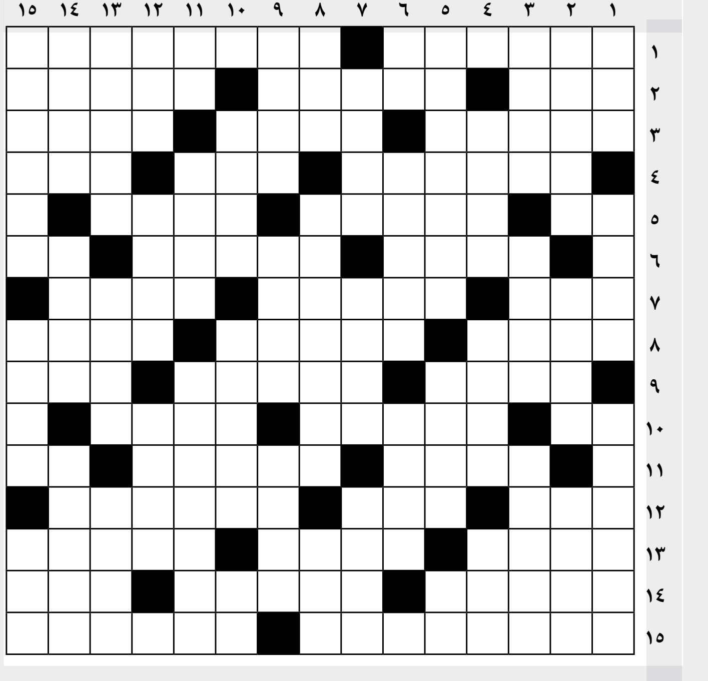

جدول ویژه

◀افقی:

۱- طراوت و تازگی - بازیکن، کاپیتان و مربی پیشین تیم ملی فوتبال ایران
۲- فیلم علیرضا داوودنژاد - ضمیر جمع - روش، سازمان
۳- بخش‌های میان تهی قلب - سلسله‌ای سفاک در صدر اسلام - گوشت گیاهی
۴- گوناگونی - شبیه - رازقی
۵- قلیل - ناشایست، نادرست - ابزاری در مطبخ
۶- نوعی نارنگی - نام آزمون گلزن تیم ملی - موضوع
۷- اغما - جنب و جوش - مشهور
۸- خاصیت گوشی‌های همراه امروزی - معشوقه زئوس - آماده و فراهم
۹- رعشه و ارتعاش - نام مردانه - صدای بچه
۱۰- عدد یک رقمی - راستی خبر - دستکاری روی عکس
۱۱- رخسار - شاطر - کتف
۱۲- رنگ آرامش - کیوان - گوش او، جای پیغام سروش نیست
۱۳- مرمر - سردسته - داروهای گیاهی
۱۴- بدکاران - هر فصل فیلم - انسان
۱۵- فیلمی به کارگردانی و تهیه‌کنندگی بهرام کاظمی - رویارویی

▼عمودی:

۱- انگبین - جلوی مو - اثر شولوخف
۲- تصدیق بی‌ادب - سرشار - دهش، عطیه
۳- خمیده - سلاخ شتر - جرم کوچک آسمانی
۴- حنا - کیک معروف - با منال آید
۵- چیزی را دوباره به دست آوردن - جزیره بیضی شکل در مدخل خلیج فارس - گذرگاه خون
۶- حرف تمسخر - انبوهی - جادوگر
۷- کوه کردستان - انس و سازگاری - آهنگساز و پیانوزن مجارستانی
۸- مقابل خاص - سریالی از فرهاد نجفی با حضور شقایق فراهانی و ایزابلا پیکیونی - اشاره به نامعلوم
۹- شرکت رایانه‌ای چینی - صندلی دارد - خبرگزاری رسمی ایتالیا
۱۰- ۹۲ سانتیمتر - خبرگزاری کشورمان - اثر جیبی
۱۱- خلاف پیش - فیلسوف فرانسوی - شرکت خودروسازی ایتالیایی
۱۲- نوعی شوربای غلیظ - واحد پول ارمنستان - از صفات پروردگار عالم
۱۳- بداندیش - خوشگل و زیبا مانند ماه - رونق
۱۴- پرد مرده - ماده‌ای در برگ چای - پیچ و تاب پیدا کرده
۱۵- برند - آشی که با آرد درست کنند - سراسر

حل جدول ویژه شماره ۶۷۵۵

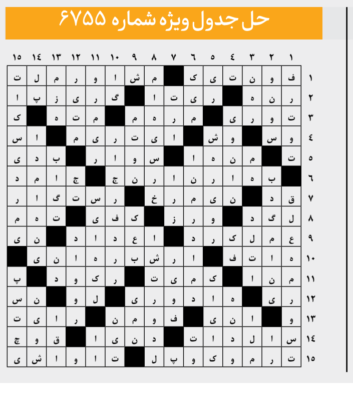

حل جدول عادی شماره ۶۷۵۵

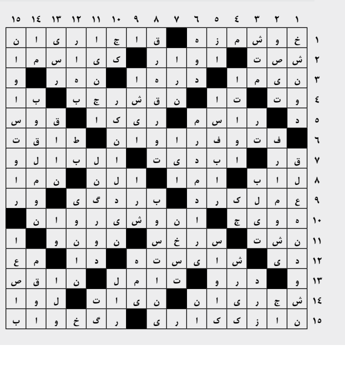

نیم نگاه

غزاله غلامپور: زمانی که کشتی وسط اقیانوس است و هفته‌ها و ماه‌ها جز آب هیچ چیز دیگری نمی‌بینی. زمانی که دریا طوفانی می‌شود، کشتی بزرگی به این عظمت توی آب این ور و آن ور می‌شود و موج‌های چند ده متری روی عرشه می‌آید و شرایط خیلی سخت و بحرانی می‌شود. برای کسی که تا به حال روی دریا نبوده و برای نخستین بار گرفتار طوفان می‌شود این شرایط خیلی نگران‌کننده و وحشتناک است

اسما یزدی: یک بار که علیرضا مأموریت رفته بود ۲۰ روز از او بی‌خبر بودم. هیچ تماس و ایمیلی از او دریافت نکردم و بشدت نگران بودم. مدام پیش خودم می‌گفتم نکند اتفاقی برایش افتاده باشد. فکرهای عجیب و غریب مثل خوره به جانم افتاده بود و یک لحظه رهایم نمی‌کرد.